



مروری بر اوپک گازی

فرشته زارعی

بیش از ۲۰ درصد بازار گاز را به خود اختصاص داده است. چهار صادر کننده بزرگ نفت تنها دارای سهمی به میزان ۴۴ درصد کل تولید جهانی نفت هستند، در حالی که چهار صادر کننده بزرگ گاز، سهمی به میزان ۵۷ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین موقعیت مکانی ذخایر گاز به لحاظ منطقه‌ای پراکنده‌تر از نفت است. خاورمیانه که به علت مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای از ثبات سیاسی برخوردار نیست، به تنهایی ۴۰ درصد ذخایر گاز جهان را داراست. این در حالی است که این منطقه تقریباً ۶۴ درصد ذخایر نفت را در خود جای داده است. حتی با وجود اینکه در خاورمیانه، ناآرامی‌های سیاسی می‌تواند به راحتی از کشوری به کشور دیگر گسترش یابد، آثار این ناآرامی‌ها در بازار گاز احتمالاً در مقایسه با بازار نفت کمتر خواهد بود.

نوع ماهیت قراردادهای حاکم بر بازار صنعت گاز که مبتنی بر قراردادهای بلندمدت است، یکی دیگر از موانع تشکیل چنین سازمانی است. قراردادهای همکاری و مشارکتی و سهمی میان اغلب کشورهای تولیدکننده و شرکت غربی به ثبت رسیده و تاسیس چنین سازمانی به معنای نقض قراردادهاست و این امر به بحران در بازارهای جهانی می‌انجامد.

یکی دیگر از نگرانی‌های عمده درباره تشکیل این سازمان، روی آوردن کشورهای مصرف‌کننده آن به منابع جایگزین است. اگرچه ممکن است در شرایط کنونی یافتن یک منبع قابل رقابت با گاز سخت باشد، اما استراتژی‌هایی که درباره انرژی تهیه می‌شوند، همیشه بلندمدت هستند. امروز، فرانسه بیش از ۸۰ درصد از انرژی خود را از طریق هسته‌ای تأمین می‌کند.

داشت. در این میان در سطح منطقه و جهان نیز میلی برای تشکیل چنین سازمانی وجود ندارد. هم اکنون گاز طبیعی تقریباً در ۵۰ کشور جهان تولید و مصرف می‌شود. بر اساس ارزیابی آژانس بین‌المللی انرژی، تقاضا برای گاز در فاصله زمانی سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰ دو برابر خواهد شد. همچنین با حدود ۱۴۶/۴ تریلیون مترمکعب ذخایر قطعی گاز دنیا، به قدمت ۶۲ سال گاز کافی برای تولید پایداری نرخ کنونی خواهد داشت.

بنابراین با توجه به اهمیت گاز در آینده، هر کشوری که کنترل بازار گاز را در دست بگیرد، در عرضه بین‌المللی تأثیرگذارتر خواهد بود. در رابطه با پراکندگی ذخایر گاز باید گفت که ۴۳ درصد ذخایر گاز، تنها در دو کشور روسیه و ایران قرار گرفته است. همچنین کشورهای خاورمیانه با داشتن ۴۰ درصد ذخایر گاز طبیعی، همچنان دارای نقشی مهم و قابل ملاحظه در بازار گاز هستند. عربستان، ایران و امارات جزو ۵ کشور برتر در ذخایر گاز هستند. البته ذخایر گاز منطقه خاورمیانه تقریباً در کشورهایی غیر مشابه با کشورهای نفتی متمرکز شده است؛ مثلاً ایران و قطر ۶۰ درصد گاز خاورمیانه را دارند، ولی تنها ۱۷ درصد ذخایر نفتی این منطقه را در خود جای داده‌اند (ایران ۱۵ درصد و قطر ۲ درصد).

عربستان و عراق به تنهایی ۴۲ درصد ذخایر منطقه‌ای نفت را دارند، در حالی که تنها ۱۱ درصد ذخایر گاز منطقه را در اختیار دارند.

با این حال باید به این نکته نیز توجه داشت که بر خلاف آنچه تصور می‌شود، تمرکز جغرافیایی صادرات گاز بیشتر از نفت است. عربستان سعودی به عنوان بزرگترین صادرکننده نفت، ۱۶ درصد بازار صادرات را در اختیار دارد. این در حالی است که روسیه، بزرگترین صادرکننده گاز،

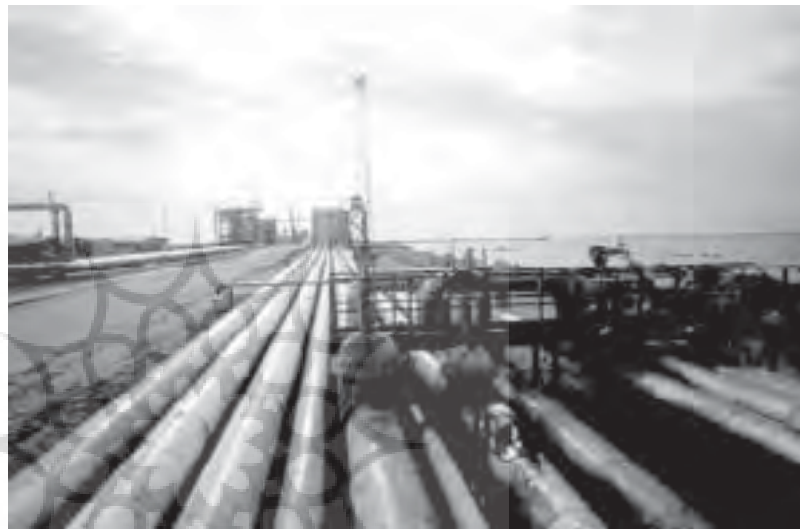
ایده تشکیل اوپک گازی (برخی برای نامگذاری این سازمان از اصطلاح «اوپک گازی» و برخی دیگر از «انرژی» استفاده کرده‌اند.) از زمان آغاز مناقشات مسکو و اکراین و قطع جریان گاز به اروپا مطرح شده بود، اما به دلیل مخالفت‌های بسیار در هاله‌ای از ابهام فرو رفت. در این میان روسیه به عنوان بزرگترین دارنده ذخایر گاز در جهان همواره تشکیل چنین سازمانی را تکذیب می‌کرد تا اینکه مجدداً در سال ۱۳۷۹، ایران پیشنهاد تشکیل «سازمان کشورهای صادرکننده گاز» را مطرح کرد. اولین نشست این مجمع در می ۲۰۰۱ با هدف تبادل نظر و همکاری میان تولیدکنندگان گاز و در سطح وزیران در تهران برگزار شد. در این اجلاس وزرای انرژی الجزایر، برونی، ایران، اندونزی، مالزی، نیجریه، عمان، قطر، روسیه، نروژ و ترکمنستان شرکت داشتند.

دومین اجلاس رسمی این مجمع، با حضور ۱۳ کشور از جمله بولیوی، مصر، لیبی، ونزوئلا که در اجلاس ایران حضور نداشتند، در الجزایر تشکیل شد (نروژ و ترکمنستان در این اجلاس حضور نداشتند). در سال ۲۰۰۳ سومین نشست وزیران در دوحه قطر و با حضور ۱۴ کشور شامل الجزایر، برونی، مصر، اندونزی، ایران، لیبی، مالزی، نیجریه، عمان، قطر، روسیه، ترینیداد، توباگو، امارات متحده عربی، ونزوئلا و همچنین نروژ به عنوان کشور ناظر تشکیل شد. گروه مشابهی نیز با حضور اعضای این مجمع، در چهارمین دوره (سال ۲۰۰۴) در قاهره حضور یافتند و در مورد تشکیل و اداره سازمان اجرایی این مجمع به تبادل نظر پرداختند. طی این ۷ سال، همه کشورهای به اتفاق، نظر مثبتی در مورد تشکیل سازمان مشترک همچون «اوپک» ابراز نمی‌کردند. رغبت اصلی همه کشورها بر آرایه پیشنهادی‌های مشورتی در سطح کارشناسی در این جلسات بوده و هست. روسیه ابتدا نقش بسیار کم‌رنگی در این جلسات

منافع تشکیل اوپک از دید تولیدکنندگان عمده...

در صورت تشکیل احتمالی سازمان اوپک گازی، اعضای آن شامل روسیه، ایران، الجزایر، قطر، لیبی، ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان خواهند بود. زیرا چنین گروهی با دارا بودن ظرفیت تولید گاز در جهان از توانایی لازم برای افزایش قیمت گاز صادراتی به اروپا حتی با اعمال محدودیت‌های جزئی در عرصه گاز برخوردار خواهند بود.

ذکر این مطلب خالی از فایده نیست که روسیه تلاش‌هایی موزی در این راستا را انجام داده است که از جمله آنها می‌توان به همکاری این کشور با الجزایر اشاره کرد. الجزایر از نظر میزان ذخایر گاز در جهان در رتبه هفتم و از نظر میزان صادرات گاز در رتبه چهارم قرار دارد. توافق اخیر الجزایر و روسیه در زمینه گاز، گامی در مسیر پیوستن شمال آفریقا به سازوکارهای آینده مورد توافق کشورهای صادرکننده گاز ارزیابی شده است. در ضمن مذاکراتی را نیز با دولت لیبی انجام داده است در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۶ اعلام شد که گاز پروم با



لازم به ذکر است که اگر در یک سازمان گاز، یک کشور بخواهد نقش تولیدکننده نوسانی را ایفا کند، کاندیداهای احتمالی چنین نقشی، کشورهایی خواهند بود که عظیم‌ترین ذخایر و بزرگترین زیرساخت‌ها را (چه در حال و چه در آینده) در اختیار دارند و در حال حاضر دو کاندیدی مناسب برای ایفای نقش در سازمان گازی مزبور، روسیه و قطر هستند. از سوی دیگر، روسیه بازیگر اصلی در هر دو بازار (نفت و گاز) خواهد بود و پیوند میان قیمت‌های نفت و گاز، ممکن است روسیه را ترغیب کند که به اوپک بپیوندد یا دست کم با آن همکاری کند. در بلندمدت روسیه ممکن است نقش حیاتی ایفا کند و با داشتن قدرتی بالقوه در کسب منافع از موقعیت برجسته‌اش در بازار، واسطه‌گری قیمتی میان بازارهای شرق و غرب را بر عهده گیرد.

تلاش در نگهداری انحصار گاز اروپا (به عنوان یکی از بهترین بازارهای در دسترس) و از طرف دیگر تلاش دیگر کشورها در ورود به این بازار (که به زعم روسیه این تلاش‌ها در بلندمدت می‌تواند کارساز باشد) شاید برآیندی را در جهت پذیرفتن تشکیل یک بازار مشترک (حتی الامکان تحت سلطه روسیه) ایجاد کند.

تلاش روسیه برای ایجاد یک کارتل گازی، بخشی از استراتژی کلان و اعلام نشده مسکو علیه واشنگتن است.

شرکت ملی نفت لیبی توافق نامه‌ای در زمینه گسترش همکاری‌ها در حوزه نفت و گاز انجام داده‌اند. علاوه بر اینها روسیه با مقامات قطر نیز رایزنی‌هایی انجام داده است تا در زمینه صادرات گاز بین دو کشور همکاری‌هایی انجام شود. هدف اصلی قطر نیز از پیوستن به مجمع کشورهای صادرکننده گاز، اقتصادی است و به دنبال کسب بازارهای بهتر می‌باشد، از لحاظ تنوعی، ممکن است قطر جهت ایفای نقش تولیدکننده در صحنه بین الملل گاز، البته در کوتاه‌مدت، مناسب‌تر باشد (علی‌رغم اینکه ذخایر قطر در واقع کمتر از ذخایر روسیه است، اما نسبت این ذخایر به جمعیت این کشور بسیار بالاست و به همین جهت قطر برخلاف روسیه نیاز فوری و مبرم به حفظ تولید برای ایجاد درآمد کافی ندارد).

سایر دارندگان ذخایر عظیم همچون عربستان سعودی، ایران و عراق، به علت کمبودهای موجود در توسعه زیرساخت‌های صادرات گاز و عدم دسترسی به شبکه‌های کلیدی خطوط لوله در بازارهای مصرف کاندیداهای نامناسبی حداقل در میان مدت هستند. در میان مدت به نظر می‌رسد که قطر بهترین موقعیت را جهت ایفای این نقش داراست.

طرح موضوع تشکیل سازمان کشورهای تولید و صادرکننده گاز می‌تواند برای ایران هزینه‌ها و فرصت‌های زیادی ایجاد کند.

در مناسبات ژئوپلیتیک قدرت‌های جهانی، قدرتی توان اثرگذاری عمیق‌تر در مناسبات بین‌الملل را خواهد داشت که بر کانون‌های تولید و مسیر عرضه آنها چیرگی داشته باشد که با توجه به منابع نفت و ذخایر گاز در ایران، جایگاه ما در هر دو زمینه تقویت می‌شود.

با تشکیل اوپک گازی ارتباط کشور ما با بازارهای منطقه‌ای از طریق خط لوله علاوه بر منافع اقتصادی ناشی از صدور گاز، مزایای متعددی خواهد داشت و منجر به تقویت جایگاه منطقه‌ای و ضریب امنیتی از دستاوردهای تشکیل این مجمع خواهد بود. در واقع ایران از نظر جغرافیایی گزینه‌های زیادی برای صادرات گاز خود دارد. ایران نزدیکترین منبع برای کشورهای جنوب غرب آسیا به ویژه هند و چین است و گاز خود را نیز می‌تواند از طریق ترکیه به اروپا صادر کند. این موقعیت بی‌نظیر ایران اگرچه در مورد نفت نیز وجود دارد اما به دلایل متعدد از این موقعیت استفاده بهینه نشده و می‌تواند در زمینه گاز فرصت‌سازی کرد.

مهمترین هزینه تشکیل اوپک گازی برای ایران، کنترل روسیه بر آن و جهت‌دهی به این سازمان برای منافع مسکو است. در واقع روسیه با دارا بودن سایر مولفه‌های قدرت نظیر داشتن حق وتو در شورای امنیت، سلاح‌های هسته‌ای و... می‌خواهد بار دیگر به عنوان یک قدرت بزرگ ظاهر شود.

یکی دیگر از هزینه‌های عضویت ایران در این سازمان این است که ایران از فرصت‌های آینده برای انرژی به بازار اروپا در صورت فشارهای روسیه نمی‌تواند استفاده کند. اروپایی‌ها در حال حاضر با توجه به مشکلاتی که روسیه برای آنها به وجود آورده، به دنبال یک جایگزین برای تامین گاز مورد نیاز خود هستند و ایران از مهمترین گزینه‌ها برای آنها به شمار می‌آید. وقتی ایران در چارچوب یک سازمان به روسیه تعهداتی نداده باشد، بسیار راحت‌تر می‌تواند از این فرصت استفاده کند.

ناگفته نماند که حضور روسیه در این سازمان، از یک طرف می‌تواند مانند عربستان در اوپک، در جهت‌دهی به سیاست‌های سازمان به ویژه در موارد اضطراری برای ایران هزینه‌آور باشد، اما از طرف دیگر حضور روسیه قدرتمند یک امتیاز محسوب می‌شود. حجم ذخایر گاز، به ایران قدرت چانه‌زنی بیشتری می‌دهد تا در سازمان مذکور به صورت کامل تابع روس‌ها نباشد. ایران می‌تواند از آن به عنوان ابزاری برای تامین منافع ملی خود در روسیه استفاده کند. تشکیل اوپک گازی در میان دو کشوری که یکی به عنوان یک قدرت جهانی و دیگری به عنوان قدرت منطقه‌ای مطرح است جایگاه استراتژیک بیشتری به این دو کشور در عرصه بین‌المللی خواهد داد.

در خاتمه باید اذعان داشت که کشورهای بزرگ تولیدکننده گاز و دارندگان منابع گازی (ایران، روسیه، الجزایر و...) مهمترین هدف اوپک گازی را تأثیر بر قیمت‌گذاری مطرح نموده‌اند و چنین سازمانی را موجب نزدیکی نظرات خود و همکاری جهت منابع مشترک می‌دانند. دیگر اینکه طبیعتاً تشکیل این کارتل نیز همچون دیگر کارتل‌ها در ابتدای امر با مشکلات و موانع بسیاری مواجه خواهد بود.